



## سرمقاله

از هرمز تا باب‌المندب؛

# اهرم‌های نوین ایران در شطرنج انرژی میان شرق و غرب

تنگه‌ها است. مدیریت باب‌المندب توسط یمنی‌ها و دریافت عوارض، نیازمند ایجاد ساختارهای حقوقی و فنی قدرتمند است تا به عنوان یک اقدام مشروع و در راستای پایداری امنیت منطقه شناخته شود. از سوی دیگر، هماهنگی میان میدان و دیپلماسی باید به گونه‌ای باشد که پیام قدرت به درستی به اتاق‌های فکر در پکن و واشنگتن مخابره شود: «هرگونه اختلال در شرق آسیا، پاسخی متقارن در غرب آسیا خواهد داشت.»

در جمع‌بندی باید گفت، عصر تکیه صرف بر تولید نفت به پایان رسیده است. قدرت واقعی در قرن بیست و یکم، در اختیار کسی است که بر مسیرهای عبور و نقاط اتصال تسلط داشته باشد. ایران با فعال‌سازی ظرفیت‌های جبهه مقاومت در دو سوی شبه‌جزیره عربستان، می‌تواند شبکه‌ای از بازدارندگی هیدروکربوری ایجاد کند که نه تنها امنیت ملی را تضمین می‌کند، بلکه با پیوند زدن امنیت انرژی چین به توانمندی‌های خود، توازن قوای جهانی را بازنویسی خواهد کرد. این، همان نقش‌آفرینی در قامت یک قدرت منطقه‌ای است که از جغرافیا، ثروت می‌سازد و از امنیت، اقتدار. ♦

فارس و دریای سرخ خواهد بود. این یعنی تبدیل کردن ژئوپولیتیک انسداد به یک ابزار بازدارنده که هزینه هرگونه ماجراجویی آمریکا علیه چین را به شدت افزایش می‌دهد.

این رویکرد، فراتر از یک اقدام نظامی، یک دیپلماسی انرژی هوشمند است. زمانی که ایران نشان دهد توانایی تأمین امنیت و یا در صورت لزوم، اعمال فشار بر گلوگاه‌های حیاتی را داراست، جایگاه خود را در محاسبات پکن ارتقا می‌دهد. چین به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، همواره نگران پایداری عرضه است. وقتی ایران و جبهه مقاومت به عنوان تضمین‌گر امنیت مسیرهای جایگزین یا اعمال‌کننده هزینه بر رقبای چین در گلوگاه‌های منطقه ظاهر شوند، دست پکن در برابر واشنگتن پرتر خواهد بود. اینجا است که ایران می‌تواند از این خدمت‌امنیتی راهبردی، امتیازات بزرگ اقتصادی، تکنولوژیک و سیاسی از چین مطالبه کند. در واقع، ما امنیت در هرمز و باب‌المندب را به عنوان یک دارایی استراتژیک به میز مذاکره با شرق می‌بریم. با این حال، تحقق این چشم‌انداز مستلزم عبور از ادبیات سنتی و ورود به عرصه حکمرانی هوشمند بر

به عنوان دروازه ورود به کانال سوئز، شاه‌رگ حیاتی تجارت نفت و کالا میان آسیا و اروپاست. توانمندسازی یمن در مدیریت مستقل این تنگه و حتی برقراری نظام عوارض ترانزیتی، نه تنها حق حاکمیتی و جبران خسارات سال‌ها جنگ است، بلکه ابزاری برای پیش‌دقیق جریان انرژی در راستای منافع جبهه مقاومت محسوب می‌شود. این اقدام، حاکمیت دریایی را از فرم منفعل به فرم فعال تغییر می‌دهد.

نکته کلیدی و نبوغ‌آمیز این راهبرد، در تقارن استراتژیک نهفته است. امروز ایالات متحده با تمرکز بر شرق آسیا و تنگه مالاکا، به دنبال مهار نفوذ اقتصادی چین و تحت فشار قرار دادن جریان تأمین انرژی این ابرقدرت شرقی است. در چنین شرایطی، ایران و متحدانش در منطقه می‌توانند با ایجاد یک کریدور فشار متقابل در تنگه هرمز و باب‌المندب، موازنه را برقرار کنند. واقعیت این است که امنیت انرژی در جهان، سیستمی به هم پیوسته است. اگر واشنگتن بخواهد در مالاکا برای شرکای راهبردی ایران ایجاد ناامنی یا فشار کند، پاسخ منطقی و مقتدرانه، استفاده از برتری جغرافیایی در خلیج

♦ | در جهان امروز، انرژی نه تنها یک کالا، بلکه ستون فقرات قدرت سیاسی و ابزار اصلی در چانه‌زنی‌های بین‌المللی است. تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا و دریای سرخ، بار دیگر ثابت کرد که امنیت انرژی بیش از آنکه در چاه‌های نفت تعریف شود، در گلوگاه‌های استراتژیک معنا پیدا می‌کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر مرکزی در معماری امنیت منطقه، در آستانه اتخاذ رویکردی نوین قرار دارد؛ رویکردی که در آن پیوند میان عمق راهبردی و اقتصاد انرژی می‌تواند ترازوی قدرت را به نفع شرق و جبهه مقاومت تغییر دهد. نخستین پایه این راهبرد، بازتعریف نقش ایران به عنوان قطب هماهنگ‌کننده در جغرافیای مقاومت است. نقش‌آفرینی در قامت برادر بزرگ‌تر تنها یک توصیف سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت ژئواکونومیک است. در حالی که غرب تلاش می‌کند با ائتلاف‌های دریایی، کنترل خود را بر جریان آزاد انرژی تحمیل کند، همکاری میان اعضای جبهه مقاومت می‌تواند نظمی نوین را پدید آورد. در این میان، وضعیت یمن و تسلط بر تنگه باب‌المندب، کلیدی‌ترین قطعه این پازل است. باب‌المندب

## اقتصاد سیاسی انرژی

## نبرد روایت‌ها در بازار نفت؛ از بیانیه درمانی کاخ سفید تا صادرات غیر صفرایران

در همین حال، معصومه آقاپور، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، با قاطعیت، صفر شدن صادرات نفت ایران را تکذیب کرده و به وجود مسیرهای جایگزین و منابع نفتی در مناطقی غیر از خارک اشاره کرده است؛ پیامی که نشان‌دهنده تاب‌آوری عملیاتی ایران در اوج تنش‌هاست. از سوی دیگر، کپلر هشدار می‌دهد که چین فعلاً با کاهش خرید خود به ۵.۵ میلیون بشکه در روز، مانع جهش قیمت شده، اما بازگشت همزمان چین به بازار با پیک مصرف تابستانی غرب، می‌تواند تعادل شکننده فعلی را به نفع صعود قیمت‌ها برهم بزند.

در حالی که خبرهای مربوط به توافق احتمالی، قیمت نفت WTI را به مرز ۹۰ دلار کشانده و در آستانه سقوط به کانال ۸۰ دلار قرار داده است، تحلیلگران نسبت به پایداری این روند هشدار می‌دهند. اگرچه قیمت‌ها تحت تأثیر اخبار مذاکرات ۱۸ دلاریش کرده، اما واقعیت فیزیکی بازار همچنان شکننده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که حتی با توافق در ماه ژوئیه، جهان با ۲ میلیارد بشکه تولید از دست رفته مواجه است که پتانسیل شوک‌های قیمتی بعدی را حفظ می‌کند.

## زیرساخت‌های استراتژیک

## بازآرایی جریان‌های انتقال؛ دور زدن هرمز توسط ایران و بحرآن در عربستان

در مقابل، عربستان سعودی با تبعات جدی اختلال در هرمز دست‌وپنجه نرم می‌کند. توقف صادرات از پایانه رأس تنوره، ریاض را مجبور به کاهش ۳ میلیون بشکه‌ای تولید روزانه کرده است. این کاهش تولید نفت به معنای افت تولید گازهای همراه است؛ موضوعی که عربستان را در آستانه تالستان با بحران سوخت نیروگاهی مواجه کرده و این کشور را مجبور به واردات سنگین نفت کوره برای تولید برق کرده است. این یعنی سلاح هرمز مستقیماً امنیت انرژی رقیب منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است.

نکته بسیار کلیدی در گزارش‌های اخیر، تلاش همزمان بازیگران منطقه برای کاهش وابستگی به گلوگاه هرمز است. مؤسسه ویندوارد از شکل‌گیری یک شبکه جدید بارگیری و انتقال در سواحل ایران خبر داده که شامل پایانه‌های کوه مبارک و جاسک است. این زنجیره ترانزیت ساحلی، در عمل وابستگی صادرات ایران به تنگه هرمز را کاهش داده و دست تهران را در مدیریت بحران بازتر می‌گذارد.

## دیپلماسی انرژی

## دیپلماسی در قطر؛ از غرامت‌های بلوکه شده تا نظارت بر عبور LNG

در میدان نیز، مدل عبور با مجوز به محموله‌های استراتژیک ترسیده است. کپلر از عبور ۳ کشتی حامل LNG (از جمله محموله‌های امارات و قطر به مقصد هند، پاکستان و چین) با هماهنگی ایران خبر داده است. این یعنی تهران نه تنها بر جریان نفت، بلکه بر جریان حیاتی گاز مایع منطقه نیز اشراف کامل پیدا کرده و مسیرهای عبور را به کشتی‌ها دیکته می‌کند؛ وضعیتی که عملاً ایران را به مقام ناظر ارشد در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان بدل کرده است.

گزارش‌های رویترز نشان می‌دهد که مذاکرات در قطر وارد خطوط قرمز شده است. محور اصلی گفت‌وگوها، مدیریت تنگه هرمز و ذخایر اورانیوم است. طبق این گزارش‌ها، احتمالاً در مرحله نخست توافق، ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران آزاد شده و قطر نیز متعهد به پرداخت غرامت شده است. این تزریق نقدینگی در کنار پتانسیل سود ۴۰ دلاری ایران در هر بشکه (در صورت رفع محدودیت‌ها و نفت ۹۰ دلاری)، می‌تواند شوک مالی بزرگی برای اقتصاد ایران باشد.